



Research Article

Vol. 30, No. 24, Fall-Winter 2023, p.
154-168**The Criminal Policy Of Iran And England In Reducing Crime Costs****Z. Gholam Ali zadeh^{1*}**, **E. Abdollahi²**

1 - PhD Candidate , Department of Law, University of Bushehr, Bushehr, Iran.

(*- Corresponding Author Email: zohregholamali73@gmail.com)

2 - Associate Professor, Department of Law, University of Bushehr, Bushehr, Iran.

Received: 2 October 2023 Revised: 5 December 2023 Accepted: 12 February 2024 Available Online: 12 February 2024	How to cite this article: Gholam Ali zadeh, Z.; Abdollahi, E. (2023). The Criminal Policy Of Iran And England In Reducing Crime Costs. <i>Encyclopedia of Economic Law Journal</i> , 30(24): 154-168. (In Persian with English abstract). https://doi.org/10.22067/economlaw.2024.83522.1291
--	---

1- INTRODUCTION

The cost of the crime shows the relative importance of the problem of its occurrence. If the costs of a crime are high (low), the occurrence of that crime will be a big (small) problem. The use of economic theory in the field of law is not a new and controversial phenomenon, but what is new and controversial is the generalization of economic analysis to a wide range of institutions of the legal system with a non-economic essence. This research is descriptive in nature and describes and defines topics such as criminal policy and ways to reduce the cost of crime.

2- PURPOSE

The main purpose of this article is to compare the criminal policy of Iran and England in reducing the costs of crime; And the sub-goals of this research are: types of economic approaches to reduce litigation costs, mechanisms to reduce justice costs and reduce crime costs through the management of criminal law institutions in Iran and England.

3- METHODOLOGY

The research method in this study is descriptive-analytical; Therefore, an attempt is made to collect information by accurately identifying the available sources, including legal books related to the subject, scientific research articles, etc., and then the work of writing the article begins with the logical analysis and summarization of the information. In this research, according to the topic, the required information has been collected using the library method. For this purpose, the tool of collecting and preparing a checklist will be used, and then with the logical analysis and summarization of the information, the writing of the article will be started, and then the research questions will be answered.

4- FINDINGS

The criminal policy of England compared to Iran, with the use of institutions and in various ways in order to prevent the commission or repetition of crimes in order to prevent the density of criminal cases and the density of the criminal population, by using the provision of minimum costs of criminal justice, it has been able to achieve fruitful and acceptable results. find and reduce the aforementioned costs, which causes the growth and excellence of the criminal justice system.

5- CONCLUSION

The results of the research showed that by establishing well-considered and tested laws and regulations, it can make it difficult to abuse the criminal process and prevent the loss of economic benefits and subsequently reduce the costs of crime; And in an efficient and effective criminal policy, management tools to minimize the costs of crime can be aimed at the structure of the investigation authorities and employment of labor, without wages or with minimum wages, which can be done in the form of applying the experiences and ideas of economists and criminologists, with a scientific approach to obtain the tools of judicial exclusion or act in the form of using crime prevention methods;

Keywords: Criminal policy, economy, cost, Iran, England.



مقاله پژوهشی

دوره ۳۰، شماره ۲۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، ص ۱۶۸-۱۵۴

سیاست جنایی ایران و انگلستان در کاهش هزینه‌های جرم

زهرة غلامعلی زاده^{۱*}، اسماعیل عبدالهی^۲

دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۰ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۳

چکیده

هزینه جرم، نشان‌دهنده اهمیت نسبی مسأله وقوع آن است در صورتی که هزینه‌های ناشی از یک جرم، بالا (پایین) باشند، وقوع آن جرم یک مسأله بزرگ (کوچک) خواهد بود. استفاده از نظریه اقتصادی در قلمرو حقوق پدیده‌ای نوظهور و مناقشه برانگیز نیست، بلکه آنچه نوین و جدال برانگیز می‌نماید تعمیم تحلیل اقتصادی به گستره وسیعی از نهادهای نظام حقوقی با جوهره‌ای غیراقتصادی است. این پژوهش از نظر ماهیت توصیفی است و به توصیف و تعریف مباحثی همچون، سیاست جنایی و راهکارهای کاهش هزینه جرم پرداخته می‌شود. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که با وضع قوانین و مقررات سنجیده و آزموده می‌تواند سبب دشوار نمودن سوءاستفاده از فرایند کیفری و جلوگیری از اتلاف منافع اقتصادی و متعاقب آن کاهش هزینه‌های جرم، شد؛ و در یک سیاست جنایی کارآمد و مثمر ابزارهای مدیریتی برای به حداقل رساندن هزینه‌های جرم می‌تواند متوجه ساختار مراجع رسیدگی و به‌کارگیری نیروی کار، بدون دستمزد یا با حداقل دستمزد باشد که می‌تواند در قالب به‌کارگیری تجربیات و نظریات اقتصاددانان و جرم‌شناسان، با رویکردی علمی به ابزارهای تفرید قضایی حاصل آید و یا در قالب به‌کارگیری روش‌های پیشگیری از جرم اقدام شود؛ سیاست جنایی انگلستان در مقایسه با ایران، با کاربست نهادها و از طرق مختلف در راستای پیشگیری از ارتکاب یا تکرار جرم در جهت جلوگیری از تراکم پرونده‌های کیفری و تراکم جمعیت کیفری با استفاده از تأمین حداقل هزینه‌های عدالت کیفری توانسته به نتایج مثمر و قابل قبولی دست یابد و هزینه‌های مزبور را کاهش دهد که همین امر سبب رشد و تعالی دستگاه عدالت کیفری می‌شود.

کلیدواژه‌ها: سیاست جنایی، اقتصاد، هزینه، ایران، انگلستان.

^۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، بوشهر، ایران.

(نویسنده مسئول: Email: zohregholamali73@gmail.com)

^۲. استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، بوشهر، ایران.

مقدمه

رویکرد اقتصادی به حقوق رویکردی راجع به نظام حقوقی است و نوعی نظریه‌پردازی علمی و تجربی در خصوص آن؛ بنابراین بدیهی است که نمی‌توان آن را رویکردی فلسفی دانست؛ اما گاه دیگر که از منظر فایده‌گرایی و رفاه‌گرایی به نظام حقوقی نگریسته می‌شود و چپستی و چگونگی نظام حقوقی مورد تدقیق قرار می‌گیرد چنین رویکردی را می‌توان رویکردی مربوط به نظام حقوقی و قواعد حاکم بر آن دانست نگرشی که صبغه‌ای فلسفی به خود گرفته و می‌تواند هم‌نشین سایر مکاتب فلسفی در حوزه فلسفه تحلیلی حقوق قرار گرفته و با آن‌ها در ابعادی توصیفی در پاسخ گفتن به پرسش‌هایی همچون «حقوق چیست» و «حقوق چه باید باشد» به رقابت برخیزد.

در تفکیک رویکرد اقتصادی حقوق از مکاتب فلسفی برآمده از اخلاق باید گفت زمانی که به رویکرد اقتصادی به حقوق به‌عنوان ابزاری در جهت حداکثرسازی رفاه اجتماعی نگریسته می‌شود، بیش از هر چیز منظور آن است که حقوق خادم اجتماع است؛ بنابراین رویکرد اقتصادی برخلاف نظریه‌های اخلاقی اغلب بر ذات غیر مداخله‌جویانه حقوق تأکید می‌گذارند چنین نگرشی حقوق را نه تنها تابع منافع اجتماع می‌داند، بلکه همواره هرگونه نوآوری فلسفی و روش‌شناختی و نیز یافته‌های تجربی را که از منفعت اجتماعی و چپستی آن سخن بگویند در وادی حقوق می‌پذیرد و به رسمیت می‌شناسد (Nouri Zeinel, 2022: 103).

سود انگاری در مجازات، متأثر از این دیدگاه که اعمال بشری باید بر اساس نتایج آن ارزیابی شود، قدمتی طولانی دارد. وظیفه حکومت بر اساس اصل فایده‌ترویج خوشی در جامعه است؛ وظیفه‌ای که بخشی از آن را به‌واسطه‌ی مجازات انجام می‌دهد. بدین ترتیب مجازات اگرچه ذاتاً شر است، ولی وقتی خوشی و لذت بیشتری تولید کند، قابل توجیه است (۲۸۵: Bentham, ۱۹۹۵).

برقراری نظم و امنیت در پرتو عدالت کیفری در هر کشوری حاوی هزینه‌های مربوط به خود است. امروزه با پیشرفت علم، نگرش به ضمانت اجرای کیفری از بدو پروسه مزبور تا پایان تغییراتی داشته است. اتخاذ بهترین طرح‌ها و اقدامات پیشگیرانه مستلزم تحلیل هزینه منفعت جهت انتخاب کاراترین اقدامات ممکن است. هزینه مفهومی اقتصادی دارد و از علم اقتصاد به سایر حوزه‌های علوم اجتماعی از جمله حقوق راه‌یافته است. مفهوم هزینه در حقوق کیفری ریشه در تعریف اقتصادی آن دارد و می‌توان گفت هزینه، همه آن چیزی است که برای به دست آوردن کالا و خدمات مطلوب یا اجتناب از کالا و خدمات ناخوشایند باید از آن صرف نظر کرد. (Czabanski, 2008: 9).

کاهش هزینه‌های دادرسی کیفری از زمان انتشار مقاله «رویکردی اقتصادی به فرآیند قانونی و دادگستری» در سال

۱۹۷۳ توسط ریچارد پاسنر، اصلی‌ترین بخش از ادبیات تحلیل اقتصادی دادرسی کیفری را به خود اختصاص داده است؛ رویکردی که با پیش‌بینی تأثیر ایجاد تغییر در یک جزء بر سایر اجزای دادرسی کیفری در پی بسط نظریه‌ای اقتصادی است که مراحل مختلف دادرسی کیفری را توصیف و تبیین کند.

امروزه دانش سیاست جنایی که از جمله شاخه‌های علوم جنایی است، عهده‌دار سیاست‌گذاری مواجهه مؤثر با جرم است؛ سیاست جنایی برخلاف تصور فوئر باخ آلمانی فقط به تدابیر و اقدامات کیفری - یعنی آنچه امروزه از آن با عنوان «سیاست کیفری» یاد می‌شود - محدود نیست، بلکه همه پاسخ‌های پیشینی و پسینی به جرم و انحراف را شامل می‌شود؛ از این‌رو سیاست‌های پیشگیرانه مواجهه با جرم و انحراف نیز در حوزه سیاست جنایی قرار دارد.

آنچه مسلم است در پرتو برنامه‌ریزی، علم و عقلانیت و یک سیاست جنایی صحیح و مثمر ثمر در هر جامعه‌ای می‌توان به بهترین و کارآمدترین مدیریت برای کاهش هزینه‌های عدالت کیفری نائل گردید که طی مباحث پیش رو موارد مربوطه مورد کنکاش و بررسی قرار خواهند گرفت.

افزایش قابل توجه هزینه‌های سیستم عدالت کیفری نگرانی‌هایی را در مورد پایداری برنامه‌ها و خدمات ارائه شده توسط سیستم قضایی ایجاد کرده است. این هزینه‌ها نه تنها بر برنامه‌های بخش عمومی تأثیر می‌گذارند، بلکه قربانیان جرم هم باید هزینه‌های ملموس (خسارات مالی مستقیم) و هم هزینه‌های نامشهود (رنج و درد) را متحمل شوند. علاوه بر این، این جامعه است که وقتی فردی تصمیم می‌گیرد به جای مشارکت قانونی در نیروی کار به عنوان یک شهروند مولد، شغل مجرمانه‌ای را دنبال کند، هزینه می‌پردازد. لذا از جمله مهم‌ترین اهداف این پژوهش که در پی تحلیل آن‌ها هستیم؛ از سویی بررسی سیاست جنایی در کاهش هزینه‌های جرم با بهره‌گیری از رویکردهای اقتصادی و مدیریت نهادهای حقوق کیفری و از سوی دیگر بررسی تطبیقی موضوع در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان هستیم.

۱. رویکرد اقتصادی بر کاهش هزینه‌های دادرسی

امروزه به باور بسیاری از متفکران، حقوق دیگر هدف غایی نیست بلکه وسیله‌ای است برای رسیدن به هدفی خاص در این نگاه است که حقوق ذاتی چند بُعدی می‌یابد و متأثر از دانش‌های دیگر همچون، تاریخ روان‌شناسی جامعه‌شناسی علوم سیاسی و اقتصاد می‌گردد. تحلیل اقتصادی حقوق در یک تعریف موسع عبارت است از به‌کارگیری نظریه اقتصادی به‌ویژه اقتصاد خرد و مفاهیم بنیادین اقتصاد رفاه در تحلیل شکل‌گیری ساختار فرایندها و نیز آثار حقوق و نهادهای حقوقی (Mercurio & Steven, 2006: 1). دقت در این تعریف مشخص می‌سازد که

ویژگی‌هایی خاص برخوردار باشند. طرح دعوا از سوی قدرت عمومی علیه فردی که در پناه اصل برائت قرار دارد و محکوم نمودن وی با توسل به هر دست‌آویزی تحت‌عنوان «دلیل» پذیرفته نیست. (Ashouri, 2019: 356) چنین امری نه تنها با موازین عدالت ناسازگار است و اسباب نقض حقوق بنیادین متهم را فراهم می‌آورد، پیامدهایی منفی برای نظام عدالت کیفری به همراه دارد.

رویکرد اقتصادی با نگاهی کارکردگرا به ادله و طرق تحصیل آن، در پی پالایش دلایل از بعد ماهوی به معنای سلب توان اثباتی از ادله خدشه‌پذیر و بعد شکلی به معنای تأکید بر مشروعیت طریق تحصیل دلیل به منظور تضمین هر چه بیشتر کشف حقیقت، کاهش خطاهای دادرسی و هزینه‌های اجتماعی ناشی از آن، تأمین آزادی افراد و منافع کلان اجتماعی است. در ادامه طرق تحصیل دلیل و ارزش اثباتی ادله مورد واکاوی قرار می‌گیرد و استدلال می‌شود که چگونه رویکرد اقتصادی به دادرسی کیفری در بُعد شکلی بر تحدید تحصیل آزادانه دلیل تأکید می‌کند، درحالی‌که در بعد ماهوی اعطای توان اثباتی به ادله خدشه‌پذیر را نقض کرده و همچنین نظام «اقتناع وجدانی قاضی» را بر نظام «دلایل قانونی» اولویت می‌بخشد.

۲.۱. امکان تجدیدنظر از آرای کیفری

حق تجدیدنظرخواهی از حکم محکومیت از جمله حقوقی است که در اسناد بین‌المللی برای فرد محکوم به جرم به رسمیت شناخته شده است. از قبیل این اسناد می‌توان به میثاق حقوق مدنی و سیاسی اشاره نمود. مطابق بند ۵ ماده ۱۴ این میثاق «فرد محکوم حق دارد که محکومیت و مجازات او توسط دادگاه بالاتر مطابق با قانون تجدیدنظر شود». حق تجدیدنظرخواهی تضمین می‌کند که حداقل دو مرحله رسیدگی قضایی در یک پرونده وجود داشته باشد. تحلیل اقتصادی دادرسی کیفری همسو با اسناد بین‌المللی ناظر بر تضمین حقوق بنیادین متهمان و محکومان، شناسایی امکان تجدیدنظر از آرا را امری ضروری در نظام عدالت کیفری قلمداد می‌کند. رویکرد اقتصادی مهم‌ترین کارکرد دادرسی کیفری را کاهش هزینه‌های خطای فرایند کیفری می‌داند. عطف نظر به این امر که روی دادن این خطاها امری اجتناب‌ناپذیر است، به رسمیت شناختن حق تجدیدنظرخواهی از آرای کیفری را از منظری اقتصادی توجیه می‌کند. هرچند افزودن مرحله‌ای دیگر به مراحل کیفری، هزینه‌های دادگستری را افزایش خواهد داد، اما زمانی‌که این مرحله بتواند در کاهش خطاهای فرایند کیفری مؤثر باشد، تعبیه چنین مرحله‌ای از نظرگاه اجتماعی مطلوب انگاشته خواهد شد. درواقع در رویکرد اقتصادی به دادرسی کیفری، برخورداری از حق تجدیدنظر به‌عنوان سازوکاری در نظر گرفته می‌شود که قادر است میزان خطاهای فرایند کیفری را کاهش دهد و بدین ترتیب در افزایش کارایی نظام دادرسی کیفری و ارتقای رفاه اجتماعی

تحلیل اقتصادی آمیزه‌ای از رویکردهای فلسفی و غیر فلسفی به حقوق است. بی‌تردید فلسفه حقوق چیزی بیش از حقوق به ما می‌آموزد و چنین نیست که همان مسائلی را مطرح کند که نظام حقوقی بیان می‌دارد؛ (Nouri Zeinel, 2022: 100-101).

کاهش هزینه‌های دادرسی کیفری از زمان انتشار مقاله «رویکردی اقتصادی به فرایند قانونی و دادگستری» در سال ۱۹۷۳ توسط ریچارد پاسنر، اصلی‌ترین بخش از ادبیات تحلیل اقتصادی دادرسی کیفری را به خود اختصاص داده است؛ رویکردی که با پیش‌بینی تأثیر ایجاد تغییر در یک جزء بر سایر اجزای دادرسی کیفری در پی بسط نظریه‌های اقتصادی است که مراحل مختلف دادرسی کیفری را توصیف و تبیین کند.

از این منظر، نظام دادرسی کیفری جهت تحقق بخشی به دو هدف عمده شکل گرفته است: نخست کاهش هزینه‌های خطای (Error Costs) فرایند کیفری^۱ یا به تعبیر دیگر کاهش هزینه‌های اجتماعی که در پی شکست نظام قضایی در نیل به آن دسته اهداف اجتماعی و تخصیصی که برای این نظام ترسیم شده است، ایجاد می‌شوند و دوم کاهش هزینه‌های مستقیم (Direct Costs) ناشی از راه‌اندازی دستگاه عظیم‌الجثه عدالت کیفری که می‌تواند طیف وسیعی از هزینه‌های مادی و معنوی همچون هزینه به‌کارگیری منابع انسانی و مادی هزینه فرصت و دیگر هزینه‌های متصور را شامل شود. برخی، مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده تابع هدف، در الگوی مورد تحلیل در این مبحث به شرح زیر آورده می‌شوند: نخست منفعت حاصل از به مجازات رسانیدن مجرمان؛ دوم هزینه‌های ناشی از تحمیل مجازات بر بی‌گناهان و سوم هزینه‌های دادگستری (Garner, 2017: 18). با توجه به مؤلفه‌های فوق، هدف این مدل را می‌توان به حداقل رسانیدن مجموع هزینه‌های مورد انتظار از خطای فرایند کیفری و هزینه‌های دادگستری ترسیم نمود. اگر دادرسی کیفری همواره بر پایه دست‌یابی به این اهداف، فرایند کیفری و نهادهای خود را سامان دهد، آنگاه می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که نظام دادرسی کیفری در سطحی کلان در راستای افزایش کارایی و ارتقای رفاه اجتماعی سازمان‌یافته است. بدین ترتیب در صورت انحراف هر یک از اجزای نظام دادرسی کیفری به‌گونه‌ای که نیل به دو هدف پیش‌گفته را متعسر یا متعذر سازد، آنگاه نظریه اقتصادی تغییر فرایندی و نهادی را الزام خواهد کرد که در ادامه خواهد آمد.

۱.۱. قواعد حاکم بر ادله اثبات

قواعد حاکم بر ادله اثبات (Rule of Evidence) در امور کیفری، ادله معتبر جهت رسیدگی در دادگاه و نحوه تحصیل آن‌ها را تعیین می‌کند. دلیل وسیله‌ای است جهت اثبات حقیقت که هدف اصلی دادرسی کیفری به شمار می‌رود. همین امر موجب می‌شود تا ادله اثبات در امور کیفری از اهمیت و

۱. در این خصوص در صفحات آتی به این موضوع پرداخته می‌شود.

مؤثر افتد؛ البته این نظر همواره مؤثر نیست؛ چراکه گاه تجدیدنظرهای متعدد می‌تواند نتیجه عکس دهد و از نظر اجتماعی نیز این پیام را مخابره کند که هیچ‌کس به این زودی‌ها محکوم نخواهد شد یا من به حقم نخواهم رسید.

۲. سازوکارهای کاهش هزینه‌های دادگستری

حتی اگر فرایند کیفری را مصون از خطا فرض کنیم و آرای صادرشده در پایان روند طولانی رسیدگی کیفری را کاشف از حقیقت مادی بیندازیم، بازهم به‌کارگیری نظام عدالت کیفری هزینه‌بر خواهد بود و در بسیاری از موارد اتلاف منابع را در پی خواهد داشت. از منظر اقتصادی کاهش هزینه‌های مستقیم دادگستری کیفری نیز در عرض کاهش هزینه‌های خطای فرایند کیفری، هدف نظام دادرسی کیفری محسوب می‌شود. بخشی از این هزینه‌ها در راستای به‌کارگیری نظام عدالت کیفری جهت واکنش به پدیده مجرمانه از رهگذر کشف و تعقیب جرایم، کیفردهی به مجرمان و کنترل جرم به‌منظور تأمین امنیت و منفعت افراد جامعه اجتناب‌ناپذیر است اما در نظام دادرسی کیفری می‌توان از سازوکارهایی نام برد که این هزینه‌ها را کاهش داده و ملاحظات اقتصادی پذیرش آن‌ها را توجیه می‌کند. دو بند پیش رو به تبیین این سازوکارها اختصاص یافته است.

۱.۲. کاهش هزینه‌های خطا در فرآیند کیفری

اگر از منظری اقتصادی به فرایند کیفری نگریسته شود، دو خطای محتمل کاهش کارایی نظام دادرسی کیفری را در پی دارد: تحمیل کیفر بر افراد ناکرده بزه که از آن به «خطای نوع اول» یاد می‌شود و تبرئه مجرمان که «خطای نوع دوم» نام‌یافته است. اکثر اندیشمندی که به تحلیل اقتصادی قواعد دادرسی کیفری پرداخته‌اند، بر این باورند که غالب قواعد ناظر به فرایند کیفری مانند ادله اثبات و امکان تجدیدنظرخواهی را می‌توان در پرتو خطاهای دوگانه مورد تبیین قرار داد. (Lewisch, 2000) در نگاه اقتصادی، خطای کیفری منشأ ایجاد هزینه‌های اجتماعی است و کاهش چنین خطایی اصلی‌ترین هدف دادرسی کیفری پنداشته می‌شود. در تحلیل اقتصادی، مدلی که به تحلیل خطای کیفری می‌پردازد، به «مدل هزینه خطا» (Error Cost Model) شهره است. مطابق این مدل هدف بنیادین دادرسی کیفری کاهش هزینه‌های مورد انتظار خطای کیفری؛ یعنی هزینه‌های احکام محکومیت و براءت نادرست است. هزینه‌های مورد انتظار احکام براءت و محکومیت نادرست از حاصل ضرب احتمال صدور چنین احکامی در هزینه‌های اجتماعی ناشی از این احکام به‌دست می‌آید. (hylton. 2017 : 356)

هزینه‌های اجتماعی ناشی از صدور این احکام را می‌توان در دو گروه کلی جای داد: هزینه‌های ناشی از کاهش بازدارندگی (گروه اول) و هزینه‌های ناشی از کاهش مطلوبیت نظام عدالت کیفری (گروه دوم). هزینه‌های کاهش بازدارندگی در هر دو خطای کیفری متصور است. با تبرئه مجرمان از قدرت قانون

کیفری کاسته می‌شود و افراد به ارتکاب جرم می‌آورند. با محکومیت فرد بی‌گناه نیز، تبعیت از قانون و عدم تبعیت از آن هزینه یکسانی در بر خواهد داشت؛ تحمیل کیفر امری که می‌تواند بر ساختار انگیزشی افراد مطیع قانون تأثیر گذارد و آن‌ها را به سمت ارتکاب جرم هدایت کند. از منظر اقتصادی نیز توجه به بیش‌ترین گرفتن هزینه‌های خطای نوع اول بر هزینه‌های خطای نوع دوم که در سطور پیشین تشریح گردید، این امر را تأیید، بلکه الزام می‌کند. از این رو در نظام دادرسی کیفری باید سازوکارهایی تعبیه شود که تا حد امکان بتوانند مانع بروز خطای کیفری نوع اول شوند.

۲.۲. تدابیر جایگزین تعقیب

جایگزین‌های تعقیب کیفری بارزترین نمود رویکرد حداقلی تعقیب کیفری است که وارد قلمرو کیفری شده است. بر این اساس، دادستان بعد از ارجاع پرونده، فقط گزینه تأیید قرار مجرمیت و صدور کیفرخواست را پیش رو ندارد، بلکه از راهبردهای دیگری نیز می‌تواند جهت مختومه کردن پرونده یا پیگیری آن استفاده نماید.

علاوه بر مصالح فردی، سودمندی و منافع اجتماعی ملاکی است که به‌وسیله‌ی مراجع ذی‌صلاح اساس سنجش ضرورت تعقیب قرار می‌گیرد. به‌عنوان مثال توجه به هزینه‌های تعقیب کیفری که بر جامعه تحمیل می‌شود، گستره نقض مقررات و شدت آسیب‌پذیری بزه دیده، بر اساس بند C از بخش ۴-۱۲ مجموعه قوانین دادستانی سلطنتی در حقوق انگلستان معیار تشخیص شرایط جامعه و سودمندی اجتماعی تعقیب به‌حساب می‌آید (Sheydaiyan & Nosrati, 2018: 169).

دادسرا به نمایندگی از جامعه متولی امر تعقیب است و جامعه نیز با قائل شدن به جنبه عمومی برای جرم، آن را از روابط شخصی میان بزه‌کار و بزه دیده خارج ساخته و سزاوار مجازات دانسته است؛ بنابراین هرگاه دادسرا به طریقی از وقوع جرمی مطلع شود باید تعقیب کیفری را به جریان اندازد و نمی‌تواند آن را نادیده انگارد. این امر موجب شکل‌گیری قاعده‌ای تحت عنوان «الزامی بودن تعقیب» یا «قانونی بودن تعقیب» شده است. مطابق این قاعده دادسرا مکلف به تعقیب متهم است و هیچ حقی جهت سازش با وی یا صرف نظر از تعقیب ندارد، چراکه نه اصالتاً بلکه به نیابت از جامعه به امر تعقیب می‌پردازد.

(Khaleghi, 2016: 52) برای این قاعده دو مزیت مهم متصور است: نخست، حصول اطمینان از تعقیب کلیه جرایم ارتكابی و دیگر، رعایت تساوی شهروندان در مقابل قانون. الزام دادسرا به تعقیب کلیه جرائمی که از وقوع آن‌ها مطلع می‌گردد این اطمینان خاطر را برای شهروندان فراهم می‌آورد که مرتکبان جرایم در داخل و در مواردی در خارج از کشور، مورد اغماض دستگاه قضایی قرار نمی‌گیرند و این عدم اغماض، رعایت تساوی همگان را در مقابل قانون تأمین می‌کند. (Ashouri, 2018: 167)

خواهد داشت و در این صورت، بیشترین بحث مربوط به جایگزین‌های تعقیب در جرایم کم‌اهمیت بوده که در صلاحیت دادرس دادگاه کیفری می‌باشد؛ درحالی‌که ضروری بود محدوده قلمرو جرایم تحت شمول اصل اقتضاء تعقیب کیفری و به تبع آن اعمال جایگزین‌های تعقیب، گسترش یافته به لحاظ وجود منافع زیادی که در اعمال جایگزین‌های تعقیب وجود دارد مانند جرایم قابل تعلیق در اجرای مجازات که شامل جرایم درجه ۳ تا ۸ است جرایم بیشتری مشمول جایگزین‌های تعقیب کیفری قرار می‌گرفتند. (2-3: tavili, et al)

در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان، در صورت عدم تعقیب متهم بر پایه اصل اقتضاء تعقیب، آینده متهم به دو صورت قابل ترسیم است؛ یا این‌که پس از تعیین جایگزین‌های تعقیب هیچ اقدام نظارتی و کنترلی انجام نمی‌شود یا این‌که پس از تصمیم به عدم تعقیب، جایگزین مربوط تعیین و با شرایطی، مقام تعقیب در راستای اطمینان از این‌که به‌کارگیری جایگزین‌ها به‌درستی صورت گرفته، اقدامات کنترلی و مداخله بعدی در وضعیت متهم صورت خواهد داد.

۳.۲. مرور زمان

مرور زمان کیفری عبارت از گذشتن مدتی است که پس از آن از لحاظ قانونی، اعلام شکایت یا تعقیب و تحقیق و رسیدگی به دعوی عمومی و اجرای مجازات امکان‌پذیر نیست. امروزه در اکثر کشورهای جهان از جمله ایران و انگلستان مرور زمان پذیرفته شده است. توجیهات مرسوم که معمولاً برای مرور زمان ارائه شده از این جمله است که آلام ناشی از اختلال در نظم عمومی باگذشت زمان التیام می‌یابد و اقدامات قضایی اثر چندانی بر مجرمان بالقوه که نسبت به حوادث گذشته بیگانه‌اند، نخواهد داشت. (Ashuri, 2018: 336-337)

تحلیل اقتصادی حقوق در خصوص مرور زمان پاسخ به دو پرسش را لازم می‌داند: نخست این‌که آیا اساساً مرور زمان باید وجود داشته باشد یا خیر؟ و در صورت پاسخ مثبت، وجود مرور زمان در دادرسی کیفری تا چه حد با معیار کارایی که به‌عنوان قاعده در نظریه پیشنهادی (رفاه گرایی قاعده محور؛ کارایی به‌مثابه قاعده) به شمار می‌آید، انطباق دارد؟ دوم این‌که با فرض توجیه‌پذیر بودن این نهاد حقوقی، مدت مرور زمان چه میزان باید باشد و از چه منطقی تبعیت می‌کند؟ به‌طور کلی و از دیدگاه تحلیل اقتصادی، هدف اصلی سیاست‌گذاری در حوزه دادرسی کیفری به حداکثر رساندن رفاه اجتماعی است.

از این رو آن نوع سیاست و نظامی از دادرسی کیفری تجویز می‌شود که در آن هم بازدارندگی در حد بهینه باشد و هم اجرای مجازات برای دولت هزینه کمتری در پی داشته باشد. (Posner, 1985: 444-445) بر این اساس بهینگی و کاهش هزینه‌ها در مواردی اقتضای مرور زمان را دارد، زیرا گذر زمان از طرفی هزینه‌های کشف، تعقیب و اثبات جرم را افزایش می‌دهد و از

مقابل مزایای ذکرشده، از منظر تحلیل اقتصادی، اطلاق این قاعده سبب کاهش کارایی نظام عدالت کیفری شده و رفاه اجتماعی را کاهش می‌دهد.

بدین شرح که از سویی تعقیب هر جرمی هرچند خرد، هزینه‌های هنگفتی بر نظام عدالت کیفری و جامعه تحمیل می‌کند؛ زیرا جامعه با تخصیص منابع بیشتر به امر تعقیب از به‌کارگیری این منابع در مصارف دیگر مانند آموزش و پرورش، بهداشت و تأمین اجتماعی محروم می‌شود. تحلیل اقتصادی ما را به این مهم رهنمون می‌شود که باید همواره نوعی توازن بین هزینه‌های خالص ناشی از جرم و هزینه پیشگیری کیفری از آن وجود داشته باشد و درواقع بازدارندگی باید بهینه باشد. میزان بهینه پیشگیری کیفری از جرم از راه تعقیب و تحمیل مجازات نیز هنگامی قابل دستیابی است که هزینه نهایی پیشگیری از جرم برابر باشد با منفعت نهایی خالص از آن. از این نکته می‌توان دریافت که از منظر روش تحلیل هزینه منفعت، پیشگیری کیفری از برخی جرایم از جمله جرایم خرد مطلوبیت ندارد؛ چراکه هزینه‌های پیشگیری کیفری از وقوع جرم در این موارد بسیار بیش از منافع حاصل از پیشگیری از راه بازدارندگی است؛ یعنی با این نوع پیشگیری منافع کمتری عاید اجتماع می‌گردد. این نوع تحلیل هزینه - منفعت بیانگر آن است که برخی از جرایم ارزش تعقیب ندارند، بدین‌جهت که هزینه‌های گزافی بر جامعه تحمیل می‌کنند و به اتلاف منابع محدود می‌انجامند. از منظر اقتصادی، سیاست کیفری بهینه آن سیاستی است که با کمترین هزینه ممکن بتواند بیشترین بازدارندگی را به همراه داشته باشد؛ یعنی بتواند منجر به کمینه‌سازی هزینه‌های اجتماعی جرم شود. (Nouri Zeinel, 2020: ۱۶۸)

در انگلستان پس از آن که در سال ۱۹۸۵ و بر اساس قانون تعقیب جرایم (Poa) امر تعقیب به سرویس دادستان سلطنتی (Cps) سپرده شد. این مقام، قدرت و اختیار صلاح‌دیدگی زیادی در امر تعقیب پیدا کرد و در صورتی‌که بزه از دو معیار نفع عمومی و ادله کافی عبور نکرده باشد دادستان امر تعقیب را شروع نخواهد کرد در این صورت، داستان، با ابزارهایی که به‌عنوان بدیل‌های تعقیب کیفری شناخته می‌شوند مانند اخطار ساده، توبیخ و هشدار نهایی اخطار مشروط جوانان، اخطار مشروط بزرگسالان، معامله اتهام و میانجیگری، با موضوع برخورد می‌کند.

در حقوق ایران، قانون‌گذار صرفاً مصادیقی از جایگزین‌های تعقیب کیفری را در مواد ۷۹، ۸۰، ۸۱ و ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی نمود که این جایگزین‌ها صرفاً در جرایم دارای مجازات درجه ۶، ۷ و ۸ قابلیت اعمال داشته‌اند و با توجه به این‌که بر اساس ماده ۳۴۰ قانون مذکور، رسیدگی به جرایم درجه ۷ و ۸ به‌صورت مستقیم در دادگاه کیفری، به عمل می‌آید عملاً دادستان به‌عنوان مقام تعقیب، صرفاً در جرایم دارای مجازات درجه ۶ اختیار جایگزین‌ها را باوجود سایر شرایط قانونی

هزینه‌های فراوانی بر جامعه و پیرو آن بر دستگاه عدالت کیفری وارد خواهد آورد.

امروزه در نظر گرفتن هزینه‌های جرم و اتخاذ سیاست‌های مناسب برای کاهش آن برای تمام دولت‌ها اهمیت اساسی دارد و تنها ممکن است نوع راهبرد و سیاست آن‌ها و میزان مبالغی که برای مقابله با پدیده مجرمانه اختصاص می‌دهند، تفاوت داشته باشد که قطعاً فقر و ثروت و وضعیت اقتصادی کشورها در این زمینه تعیین‌کننده است. (Nouri Zeinel, 2020: 11-12).

مدیریت هزینه‌ها می‌تواند متوجه به کارگیری نیروهای کار مجانی و یا کم‌هزینه باشد مانند آنچه در شوراهای حل اختلاف و دادگاه‌های مجیستری (magistrates) انگلستان شاهد هستیم؛ مدیریت هزینه‌ها می‌تواند متوجه تفهید قضایی باشد مانند آنچه در نهادهایی همچون تعلیق تعقیب توسط مقام دادستانی با تکیه بر نظریات جرم‌شناسی هم چون برچسب‌زنی (Labelling theory) هوارد بیکر (Howard Becker) می‌بینیم؛ می‌تواند در قالب اخطارهای پلیسی به شهروندان مقرر به ارتکاب جرم مانند آنچه در حقوق انگلستان است ظاهر شود و یا اخطار مشروط توسط مقام دادستانی در این کشور، مدیریت هزینه‌های عدالت کیفری می‌تواند در قالب همه نهادهای تفهید-قضایی با اختیارات اعطایی به قضات در دادگاه‌ها جلوه‌گر شود. نهادهایی همچون نهاد نیمه آزادی، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، توبه، مدیریت هزینه‌ها می‌تواند در قالب نظارت بر میزان تأثیرگذاری مجازات‌ها به‌خصوص تأثیر حبس بر زندانیان و به‌کارگیری علمی نهادهایی هم چون عفو و آزادی مشروط باشد. عقلانیت و منطق که در حقوق و فقه انور به بنای عقلا مشهور است خود می‌تواند زیربنای مدیریتی بسیار قوی برای کاستن بار هزینه‌ها چه از حیث زمان، چه از حیث بودجه مالی و چه از منظر اختصاص حداقل نیرو برای تأمین عدالت کیفری در یک جامعه باشد. نمونه عقلانیت را می‌توان در نهاد دیس کلوزر (افشاجری) (Disclosur) در حقوق انگلستان و چگونگی برخورد دادستان و متهم برای نیل به عدالت کیفری به‌خوبی لمس کرد. جایی که دادستان حتی ادله‌ای که به نفع متهم است در کمال بی‌طرفی و پدران در اختیار متهم و وکیل ایشان قرار می‌دهد تا چنانچه در مقام دفاع متهم امکان تبری و یا تخفیفاتی داشته باشد بی‌جهت تعقیب امر کیفری ادامه نیابد و وقت و هزینه‌های دستگاه عدالت کیفری هدر نرود. آنچه مسلم است نهادهای نامبرده در فوق اگر در مسیر صحیح و علمی از طریق یک سیاست جنایی کارآمد مورد استفاده قرار بگیرند نه تنها مدیریت مثبت صورت نپذیرفته بلکه خود منشاء هزینه‌های مضاعف خواهد شد. مدیریت هزینه عدالت کیفری می‌تواند در برنامه‌ها و حوزه‌های مختلف مورد توجه و امان نظر قرار گیرد؛ مانند زمانی که ژاپن دچار سونامی شد پس از عادی شدن وضعیت عموم مردم همه گاو صندوق‌ها و اشیاء قیمتی را که می‌یافتند تحویل مقامات مربوطه می‌دانند. مدیریت هزینه عدالت

طرف دیگر میزان اشتباهات قضایی افزایش می‌یابد. جامعه باید برای رسیدگی به چنین پرونده‌هایی بخش زیادی از منابع تخصیص یافته به دستگاه عدالت کیفری را صرف رسیدگی به آن‌ها کند. از این رو مرور زمان اصولاً توجیه اقتصادی پیدا می‌کند، مگر در خصوص جرایمی که اساس جامعه را در خطر نابودی قرار می‌دهد؛ مانند جرایم نسل‌کشی و جنایات جنگی که به هیچ‌وجه نباید مشمول مرور زمان شوند. (Vaziri, 2013: 19-21)؛ اما در این ارتباط که مدت مرور زمان چه میزان باید باشد جرایم را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: جرایم دارای بازده اقتصادی و جرایم فاقد بازده اقتصادی^۱. جرایم دسته نخست جرایمی هستند که در مجرمان بالقوه این انگیزه را به وجود می‌آورند که به جای استفاده از سازوکار بازار برای نقل و انتقال قانونی حق‌ها و منابع قانونی، برای رسیدن به خواسته خود به ارتکاب جرم روی آورند. به عبارت دیگر، این دسته از جرایم با هدف رسیدن به نفع کلان به بهای ضربه زدن به بازار آزاد صورت می‌گیرد؛ مانند قاچاق. در مقابل جرایم فاقد بازده اقتصادی جرایمی هستند که سود مجرمانه برای بزهدار در بر ندارد.

۳. کاهش هزینه‌های جرم از طریق مدیریت نهادهای حقوق کیفری در ایران و انگلستان

ارزیابی هزینه‌های جرم و در نظر گرفتن آن به هنگام اتخاذ سیاست جنایی مناسب، ناشی از افزایش مطالعات میان‌رشته‌ای در شاخه‌های مختلف حقوق، به‌ویژه مطالعات حقوق و اقتصاد است. تحلیل هزینه‌های جرم و برآورد آن‌ها به ما می‌گوید که باید نوعی مدیریت و توازن بین هزینه‌های جرم و هزینه بازدارندگی از آن برقرار شود و در واقع بازدارندگی باید بهینه باشد. عدم مدیریت صحیح دستگاه قضایی، تولید هزینه‌های کلان را به همراه خواهد داشت. مدیریت هزینه‌های عدالت کیفری در قالب نهادهای تفهید قضایی امری کاملاً علمی محسوب می‌گردد؛ در حقوق ما نهادهای تفهیدی در مرحله دادگاه بسیار قابل توجه می‌باشند از جمله شورای حل اختلاف و نهادهایی هم چون تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، نظام نیمه آزادی و توبه؛ در حقوق انگلستان اختیارات تعیین مجازات در نه (۹) مورد پیش‌بینی شده و شامل حکم آزادی تعویق قطعی یا مشروط مجازات؛ جزای نقدی، قرار مراقبتی، قرار حضور در مرکز، قرار منع رفت و آمد؛ قرار اصلاح اجتماعی، دستور مجازات اجتماعی؛ مجازات تعلیقی و مجازات حبس فوری می‌شود که مذاقه در موارد نُه‌گانه امکان تفهید را به‌خوبی فراهم می‌نماید. در هر دو سیستم نهادهای تفهیدی به‌خوبی به چشم می‌خورند اما آنچه مهم است مدیریت علمی این ابزارها با یک سیاست جنایی کارآمد است چه اینکه اشتباه در انتخاب هر یک به‌جای دیگری

۱. این تقسیم بندی توسط ریچارد پاسر صورت گرفته است؛ قاضی، نظریه پرداز حقوق و اقتصاد آمریکایی است.

یکبار هم که شده پرونده را به شورا ارجاع می‌دهد تا شاید از این رهگذر امکان صلح و سازش با جبران خسارات و ضرر و زیان‌های وارده فراهم آید؛ آن‌گونه که ملاحظه می‌گردد اگرچه شوراها از نقطه نظر قانونی در خصوص مسائل کیفری دارای صلاحیت وسیعی نمی‌باشند. به طوری که در ایران شورای حل اختلاف به عنوان یک نهاد شبه قضایی با رویکرد تصالحی نقش مؤثری در کاهش هزینه دادرسی از طریق بررسی منصفانه با رویکرد عدالت ترمیمی ایفا نموده است.

(farhadi&shams,2022: 347)

اما اینکه قدرت شوراها در حل و فصل جرائم سنگین، مدیریت هزینه است یا سوء مدیریت، مسئله‌ای است که می‌بایست در بحث تأثیر سیاست جنایی در مدیریت هزینه جستجو نمود. در بحث سیاست جنایی آنچه در برخورد با پدیده بزهکاری و بعد از ارتکاب جرم و خاصه برخورد با مجرمین و بزهکاران مدنظر می‌باشد کنترل ظرفیت مجرمانه و اصطلاح «حالت خطرناکی» و در صورت غیرقابل اصلاح بودن، بازپروری، نگهداری، مراقبت و ناتوان سازی از طریق دور نگه داشتن از اجتماع پیرامونی می‌باشد. سعی بر ایجاد صلح و سازش در موارد خارج از وظیفه قانونی شوراها معمولاً بدون امان نظر به میزان حالت خطرناکی صورت می‌پذیرد. به عنوان مثال در مواردی پادرمیانی و اهتمام اعضای شورا باعث اعلام گذشت اولیاء دم نسبت به قاتل و در نتیجه آزادی ایشان شده و از طرفی ناکافی بودن مجازات‌ها متوجه جنبه عمومی قتل عمدی که ۳ تا ۱۰ سال حبس قابل عفو و آزادی مشروط است؛ در نهایت جامعه و دستگاه عدالت کیفری را مجدداً مواجه با یک حالت خطرناکی و ظرفیت مجرمانه بالا می‌کند که هزینه‌های سنگینی از حیث زیر سؤال رفتن امنیت از یک سو و اشتغال وقت و هزینه دستگاه عدالت کیفری در هنجارشکنی‌های بعدی ظرفیت مجرمانه کنترل نشده به جای می‌گذارد. با این اوصاف می‌توان گفت که استفاده از نهاد شورای حل اختلاف می‌تواند گامی در جهت کاهش هزینه‌ها باشد.

۲.۳. دادگاه مجیستریست در انگلستان (دادگاه صلح)

دادگاه‌های مجیستریست یا همان دادگاه‌های صلح در کشور انگلستان برای نخستین بار در سال ۱۱۹۵ با فرمان ریچارد اول تشکیل شد. در آن دوره به مقامات قضایی آن محاکم «نگهبانان صلح» گفته می‌شود اما امروزه به آن‌ها قاضی صلح گفته می‌شود. در حال حاضر، بیش از سی هزار قاضی صلح فاقد سواد حقوقی در هفتصد دادگاه مشغول به کار هستند. این دادگاه‌ها به عنوان یک مرجع دارای صلاحیت اختصاری تعریف شده‌اند که تحت نظر دو یا چند قاضی صلح به رسیدگی می‌پردازند. در دادگاه صلح هر پرونده به وسیله حداقل دو قاضی صلح (قضات غیرحرفه‌ای و افتخاری) یا به وسیله یک قاضی حرفه‌ای حقوق‌بگیر مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. قضات صلح به وسیله دولت منصوب می‌شوند و هیچ‌گونه حقوقی نمی‌گیرند؛ این قضات صرفاً هزینه‌های ناشی از کار خود را دریافت می‌کنند. آن‌ها در سن

کیفری در قالب برنامه‌های پیشگیری رشد مدار که به نظر بالاترین اثر را در مدیریت هزینه‌ها به دنبال می‌تواند داشته باشد در امر فوق نهفته است. قضات افتخاری در انگلستان در دادگاه‌های مجیستریست و در ایران در شوراهای حل اختلاف رسیدگی به برخی جرائم را بر عهده دارند که از حیث اقتصادی چنین رویکرد ساختاری بسیار به صرفه تلقی می‌گردد. از حیث اختیارات، پلیس و دادستان در جهت نظریه برچسب‌زنی هوارد بیگر در حقوق انگلستان اخطار ساده پلیسی را داریم که خود نه تنها باعث کنترل شخص خاصی می‌شود بلکه از ورود زود هنگام و ایراد برچسب مجرمانه به شهروند فاقد سابقه در دستگاه عدالت کیفری جلوگیری می‌کند و وقت و هزینه در این روند به خوبی اداره می‌شود. در حقوق انگلستان اخطار مشروط به مانند تعلیق تعقیب در حقوق ما از اختیارات دادستانی است که نه تنها از ورود برچسب مجرمانه جلوگیری می‌کند بلکه در مسیر عدالت ترمیمی، توجهات کافی به جبران ضرر و زیان و خسارت‌های بزه دیده را در پی دارد. نباید گفت که ایراد برچسب بی‌موقع مجرمانه بر اشخاص نه تنها عامل بازدارنده در مسیر عدالت کیفری نیست بلکه با ایجاد هویت مجرمانه در اشخاص سوء مدیریت هزینه‌های عدالت کیفری را بر جای خواهد گذاشت.

در ارتباط با موضوع مورد بحث باید گفت که در ساختار قضایی دو کشور ایران و انگلستان دو نهاد با تشابهات و مشترکات خاص قابل مقایسه و بررسی می‌باشند که به نظر می‌رسد هر دو نهاد از حیث قضات و اعضای افتخاری، بدون دستمزد در بحث مدیریت هزینه قابل توجه و تأمل باشند؛ که در ادامه هر یک مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

۱.۳. شوراهای حل اختلاف در ایران

شوراهای حل اختلاف که ریشه در ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مصوب ۱۳۷۹ دارد، هم‌اکنون به موجب قانون مصوب ۱۳۹۴ فعالیت می‌کند. اعضای شورا شامل قضات شورای حل اختلاف که توسط ریاست قوه قضائیه برای یک یا چند شورا انتخاب می‌شوند و از ردیف بودجه قوه قضائیه بهره مند می‌گردند و همچنین اعضای افتخاری بدون دستمزد که در واقع قضات بدون حقوق محسوب می‌گردند تشکیل یافته است. آنچه در موضوع بحث حاضر قابل تأمل است در دو بند ذیل خلاصه می‌شود:

اول: صلاحیت کیفری شوراهای حل اختلاف که مطابق بند (ب) ماده ۸ قانون شوراهای حل اختلاف «اقدام به صلح و سازش در کلیه جرائم قابل گذشت بوده»، دوم: مطابق بند (ج) ماده ۹ «رسیدگی و صدور حکم در خصوص جرائم تعزیری که صرفاً مستوجب جزای نقدی درجه هشت باشد».

در رویه قضایی در اکثر مواردی که احساس می‌گردد امکان مصالحه بین طرفین وجود دارد، اگرچه جرم غیرقابل گذشت باشد، دادسرا در جهت ایجاد مصالحه برای

هفتادسالگی بازنشسته می‌شوند و غالباً از طبقه خاصی (طبقه بالای متوسط) هستند، به‌طورکلی دادگاه‌های صلح از صلاحیت رسیدگی به موارد ذیل برخوردار می‌باشند: ۱. محاکمه اختصاری؛ ۲. رسیدگی انتقالی؛ رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان؛ در مرحله تعیین مجازات نیز صلاحیت محاکم صلح به شرح ذیل است:

۱.۲.۳. صدور حکم به مجازات حبس

دادگاه صلح صلاحیت صدور حکم مجازات حبس را تا حداکثر شش ماه در جرائم اختصاری و تا حداکثر دوازده ماه در جرائم دووجهی در اختیاردارند. چنانچه مجرم، مرتکب بیش از یک جرم اختصاری شده که نیاز به تعیین حبس بیش از شش ماه باشد، دادگاه صلاحیت نخواهد داشت. لذا چون تعیین مجازات موردنیاز در صلاحیت آن‌ها نیست، باید کل پرونده را به دادگاه جزا ارجاع دهند یا به هر یک از جرائم ارتكابی به‌صورت اختصاری رسیدگی کنند که این حالت اخیر به‌ندرت ممکن است اتفاق بیافتد.

۲.۲.۳. صدور حکم به جزای نقدی

جزای نقدی برخلاف سایر مجازات‌ها مخارجی به همراه ندارد بلکه، خود منبع درآمدی برای دولت نیز می‌باشد. به‌طور مثال زندان هزینه‌های زیادی بر دولت تحمیل می‌کند و اجرای یک حکم حبس نیروی انسانی فراوان، امکانات مادی و مخارج دیگر در بردارد، ولی جزای نقدی بالعکس منبع عوایدی نیز برای دولت می‌باشد. علاوه بر این اگر مجازات جزای نقدی، تنها مجازات رفتار بزهکارانه باشد، در بسیاری از موارد کارایی لازم را برای بازدارندگی از جرایم نخواهد داشت. از جمله، زمانی که ثروت بزهکار به اندازه‌ای است که به راحتی می‌تواند جزای نقدی را پراخت کند؛ به عبارت دیگر فایده‌گرایی مجازات جزای نقدی در صورتی است که توان مالی لازم به سهولت برای مرتکب جرم وجود نداشته باشد. اقتصاد دانان در این وضعیت، مجازات حبس را به عنوان مکمل بازدارنده تجویز می‌کنند. مجازات حبس در مقایسه با جزای نقدی دارای بار مالی زیادی برای جامعه است؛ بنابراین، هر چه میزان مدت زندان طولانی‌تر باشد، علاوه بر این که هزینه‌های برای بزهکار ندارد، سبب افزایش هزینه‌های جامعه نیز می‌شود. در نتیجه برخی می‌گویند افزایش جزای نقدی تا حدی که به بیشترین میزان ثروت افراد برسد، قبل از استفاده از حبس، مؤثر است. در واقع قضات باید تا جایی که می‌توانند از مجازات جزای نقدی استفاده کنند و تنها در صورتی که این مجازات اثر بازدارندگی نداشته، به مجازات حبس متوسل شوند (Heidary, 2021: 63-64 & Kashkulian)

محاکم صلح می‌توانند مرتکب را به جزای نقدی تا ۵۰۰۰ پوند محکوم نمایند. در تعیین میزان جزای نقدی تا سال ۲۰۰۰ سیستم واحد جریمه اجرا می‌شده به این معنا که جریمه، متناسب با درآمد مجرم اعمال می‌شود. جرائم بین ۱ تا ۱۰ درجه‌بندی شده و درجه جرم در درآمد هفتگی متهم ضرب می‌شود. از سال ۲۰۰۰ به علت اینکه این سیستم به اهداف موردنظر نرسیده و همچنین کار حسابرسی و رسیدگی به درآمدهای مردم وقت‌گیر بوده و مشکلات زیادی در برداشته است، این سیستم برداشته شد و به‌جای آن حداقل و حداکثر جزای نقدی پیش‌بینی شده است.

۳.۲.۳. صدور حکم به اعمال مجازات اجتماعی

دادگاه صلح می‌تواند قرار اصلاح در اجتماع به‌جای تعلیق مراقبتی یا حکم به مجازات‌های اجتماعی صادر نماید.

۴.۲.۳. کاهش هزینه‌های جرم در دادگاه مجیستری

و انطباق آن با شوراهای حل اختلاف

در مقام مقایسه بین دادگاه مجیستری و شوراهای حل اختلاف و در سیاست جنایی آن‌ها در مواجهه با مدیریت هزینه‌های عدالت کیفری باید گفت که مذاقه در هر دو مرجع رسیدگی حکایت از به‌کارگیری قضات غیرحرفه‌ای بدون دستمزد دارد که میزانی از صلاحیت برای رسیدگی به امور کیفری را دارا می‌باشند. در خصوص اینکه سپردن امنیت عمومی به دست غیر متخصصین که البته حقوق هم دریافت نمی‌کنند آیا مدیریت هزینه‌های عدالت کیفری یا سوء مدیریت است، اتفاق نظر وجود ندارد؛ به‌عنوان مثال برخی از انتقادات محاکم صلح انگلستان وارد است که در ادامه به ذکر چند مورد می‌پردازیم.

الف) احکام و مجازات‌های آن‌ها به‌صورت یک‌دست نیست: همین امر سبب نگرانی‌های در ارتباط با اختلافات قابل‌ملاحظه در چگونگی تعیین مجازات از طریق این محاکم وارد شده است و این موضوعی است که در خصوص شوراهای حل اختلاف نیز می‌تواند صادق باشد چه اینکه عدم تخصص کافی و درک مسائل مربوط به حقوق کیفری و به‌خصوص جرم‌شناسی در مواردی که اعضای شورا در موارد فرا قانونی سعی بر مصالحه و اصلاح ذات‌البین می‌نمایند مشکلات بسیاری می‌تواند به دنبال داشته باشد.

ب) ایراد دیگر دادگاه صلح به‌ویژه که در گذشته با مراکز پلیس در یک ساختمان بوده و یا در مجاورت کلانتری بوده‌اند، از این نظر مورد انتقاد قرار می‌گرفتند که بیش از اندازه به ادله پلیس محله به علت آشنایی به آن‌ها اعتبار می‌دهند و آن‌ها را مورد اعتماد می‌دانند و بعضی نیز انتقاد می‌کنند که بسیاری از قضات صلح بیش از اندازه تحت نفوذ منشی دادگاه می‌باشند (Mehra, 2012: 238). حال آنکه از حیث ایراد ناشی از سفارش‌پذیری معمولاً پرونده‌هایی از اظهارنظر توسط اعضای افتخاری بدون بررسی کافی به امضاء قاضی حرفه‌ای شورا می‌رسند که خالی از فاصله گرفتن از مسئله عدالت نمی‌تواند باشد و در این زمینه‌ها سیاست جنایی در دستگاه عدالت کیفری هم در حقوق

اخطار ساده در سیستم حقوقی کشور ایران، در این مرحله از فرایند رسیدگی (مرحله تعقیب) وجود ندارد؛ اما قوانین مختلفی وجود دارد که در آنها از اخطار به عنوان نوعی محکومیت، در پایان رسیدگی یاد شده است. از جمله در مواد، ۱۳، ۱۶، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۷، ۲۸، ۳۰ و ... قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام که از اخطار به عنوان مجازات در اولین مرحله ارتکاب جرم یاد شده است و در صورت تکرار جرم، سایر مجازات‌ها پیش‌بینی شده است. (shekarchi zadeh, 2015: 22).

واژه اخطار در لغت در معانی مختلفی آمده است: «آگاهی دادن، نصیحت، تشویق کردن افراد و اخطار در مورد خطر است» (Campbell, 1990: 223). با اجرایی کردن اخطار ساده، سبب می‌شود که تعقیب کیفری در مراحل آغازین کیفری از سوی پلیس متوقف و متعاقب آن از انتقال مجرم به محاکم کیفری جلوگیری به عمل آید. (Jasch, 2008: 1280)

آن‌گونه که ملاحظه می‌گردد آیین دادرسی انگلستان با در اختیار قرار دادن یک ابزار مدیریتی در دست پلیس با پیش‌بینی اخطار نه تنها مبادرت به گوشزد به بزهکاران می‌نماید بلکه در مسیر نظریه برچسب زنی از ایجاد یک هویت مجرمانه و مشکلات مترتب بر آن و هزینه‌هایی که به دنبال خواهد داشت هم از حیث نزدن برچسب و هم از نظر عدم اشتغال سیستم عدالت کیفری به انبوهی از پرونده‌ها جلوگیری کرده است. چه اینکه با یک اخطار ساده بدون ورود به دادسرا و دادگاه طی یک رسیدگی آسان و ساده و درعین حال سریع، رفتار کیفری شخص ثبت شده و از طرفی دیگر احتمال تکرار جرم را نیز کاهش می‌دهد.

۲.۴. توبیخ و هشدار نهایی در حقوق انگلستان

در حقوق ایران دو نهاد توبیخ و هشدار نهایی پیش‌بینی نشده‌اند، اما در حقوق انگلستان نهاد توبیخ و هشدار نهایی، نخستین بار در قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۸۸ به عنوان جایگزین نهاد «اخطار» در مورد مجرمین جوان معرفی می‌گردد. یکی از مصادیق بارز قاعده اقتضاء تعقیب در حقوق جزای کشور انگلستان استفاده از نهاد «توبیخ» و «هشدار نهایی» در مورد جوانان بزهکار است. قبل از تشریح دو نهاد موصوف توجه به این نکته ضروری است که اصولاً قاعده‌ی اقتضای تعقیب ریشه در اصل فردی کردن و همچنین نظریه برچسب زنی هوارد بیکر دارد (Williams & McShane, 2012: 195). به کارگیری این دو نهاد به جای ورود در عرصه رسیدگی قضایی و القاء شخصیت و هویت مجرمانه به جوانان و نوجوانان به گونه‌ای مدیریت هزینه‌هایی است که در صورت عدم برخورد عالمانه و علمی با

انگلستان و هم در حقوق ایران مثر ثمر واقع نشده و نتایج مثبتی نداشته است.

۴. شیوه‌های کاهش هزینه‌های دستگاه عدالت کیفری در مرحله تعقیب (دادسرا)

از آنجا که انجام هرگونه فعالیت مثبت در جامعه مستلزم وجود درجه ای از امنیت است، شکی نیست که وقوع جرایم بر این فعالیت‌ها اثر سوء دارد؛ به عنوان مثال اگر احساس ترس و ناامنی در اثر وقوع جرایم افزایش یابد، انجام فعالیت‌های اقتصادی روزانه مردم که می‌تواند به تولید اقتصادی در جامعه منجر شود، با مشکل روبه رو می‌شود. در اینجا نیز برآورد کمی یک مسئله کیفی (ناامنی و ترس) امری پیچیده و دشوار است، ولی نمی‌توان منکر این خسارت‌ها شد (Yazdian Jafari, 2009: 125).

در آیین دادرسی کیفری انگلستان، دو روش متفاوت برای اعمال قاعده اقتضای تعقیب وجود دارد. اول انصراف از تعقیب بدون مداخله مؤثر که ابتدایی‌ترین اقدام سیاست کیفری در اعمال قاعده اقتضای تعقیب است و دومی توبیخ و هشدار نهایی است.

در حقوق انگلستان از زمان کشف جرم توسط ضابطین امکان اعطای اخطار تحت شرایط خاص و بایگانی توسط پلیس و همچنین تعلیق و بایگانی پرونده‌ها و همچنین معامله اتهام توسط مقام تعقیب پیش‌بینی شده است تا از ارسال پرونده‌های کم‌اهمیت با توجه به میزان حالت خطرناکی بزهکاران و تجمع پرونده‌ها در دادگاه‌ها جلوگیری شود. در نظام دادرسی ایران اگرچه پلیس امکان قانونی جهت بایگانی پرونده‌ها را ندارد اما عملاً در بسیاری از موارد البته بدون یک دیدگاه علمی و مدیریتی در مرحله تحقیقات ضابطین دعوا را منجر به مصالحه می‌گردانند.

در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نهادهایی هم چون تعلیق تعقیب و بایگانی پرونده که ریشه در نظریه برچسب‌زنی هوارد بیکر دارند و همچنین نهاد میانجی‌گری که ریشه در یکی از آخرین مکتب‌های حقوق کیفری به نام عدالت ترمیمی دارد سعی بر مدیریت هزینه‌های عدالت کیفری کرده که البته نهادهای مزبور تاکنون به طرز باور نکردنی به صورت بسیار کم، جایگاهی در رویه دادرسی‌ها و تعقیب دادسرا باز کرده‌اند که در جهت مدیریت هزینه‌های عدالت کیفری سیاست‌گذاران قضایی می‌بایست به این مهم توجه بیشتری مبذول دارند. (Goldost Joybari, 2014: 92)

نهادهای مزبور ریشه در قاعده‌ی اقتضای تعقیب دارند که استثنایی بر اصل الزامی بودن تعقیب محسوب می‌گردد. قاعده اقتضای تعقیب مبتنی بر نظریه برچسب زنی در جرم‌شناسی است و متوجه جرائم کم‌اهمیت است که بزهکار در آنها از ظرفیت مجرمانه بالایی برخوردار نیستند.

۱.۴. اخطار ساده پلیس به بزهکاران بزرگسال در انگلستان

پدیده مجرمانه بیانگر ناکارآمدی دستگاه عدالت کیفری خواهد بود.

۱.۲.۴. توبیخ

در اینجا منظور از توبیخ حل و فصل کردن پرونده در بیرون از محکمه است که با مدنظر قرار دادن شدت جرم آن هم در هنگام ارتکاب اولین جرم از سوی مجرم؛ صادر می‌شود؛ اما در طرح هشدار نهایی، نظام توبیخ و هشدار نهایی برای افراد مجرم بین محدوده سنی ۱۰ تا ۱۷ سال است (Hannibal & Mount, 2008:483).

اینکه در اولین جرم ارتكابی از انجام تعقیب خودداری می‌شود و فرصت دوباره‌ای برای متهم جوان ایجاد نمائیم مبتنی بر داده‌های جرم‌شناسی از بعد عدم القاء شخصیت مجرمانه، همچنین عدم ورود به تعقیب که زمان بر و هزینه‌بر است، ابزار مدیریتی است که در ابعاد مختلف تأمین هزینه‌های عدالت کیفری را تضمین می‌نماید.

۲.۲.۴. هشدار نهایی

اما در خصوص هشدار نهایی باید گفت که این هشدار از جمله مصادیق مهم قاعده اقتضای تعقیب و یکی از ابزارهای مدیریتی در کاهش هزینه‌های عدالت کیفری محسوب می‌شود؛ این قاعده که تا حدودی شبیه توبیخ است؛ یک نوع حل و فصل دعوی کیفری در خارج از محکمه تلقی می‌شود که به‌طور معمول در خصوص جرم‌های سنگین که به‌نوعی قابلیت توبیخ ندارند و یا در خصوص افرادی که قبلاً در مورد آن‌ها توبیخ صادر شده و به‌نوعی مرتکب دومین جرم شده‌اند؛ صادر می‌شود. (Robinson, 200:231).

هشدار نهایی دارای اوصافی است که این اوصاف تأمین هزینه‌های عدالت کیفری را به حداقل خود می‌رسانند:

۱. هشدار نهایی به‌منزله محکومیت نیست و از ورود برچسب مجرمانه به اشخاص و ایجاد هویت‌های مجرمانه جلوگیری به عمل می‌آورد.

۲. هشدار نهایی همراه با برنامه‌های مداخله‌ای بوده و برخلاف اخطار ساده، پس از هشدار نهایی پلیس موظف است تا مجرم را به گروه رسیدگی جوانان ارجاع دهد.

این طرح هم‌اکنون به اجرا درآمده و ارزش مدیریتی آن به اثبات رسیده است. هیأت قضایی مربوط به جوانان Young Justice Board (YJB) گزارش می‌دهد که در سال ۲۰۰۱ حدود ۳۳۹۲۸ نفر هشدار نهایی دریافت کردند و به ۷۰٪ آن‌ها برنامه مداخله‌ای نیز ارائه گردید (final warning) (Scheme, 2002: 1-9).

۳. رضایت قربانی از جمله مسائلی است که در هشدار نهایی مدنظر قرار می‌گیرد و از جمله برنامه‌های ترمیمی این طرح، مورد توجه قرار گرفته است.

۴. منافع جامعه بر اساس تحقیقات جامع دانشگاه آکسفورد که در ماه می سال ۲۰۰۲ توسط سازمان «جوزف راتری»

انجام شده، مطالعه سه‌ساله‌ای بر روی اجلاس‌های ترمیمی و اخطار انجام گرفته است. این بررسی‌ها به این نتیجه مهم دست‌یافته‌اند که روش ترمیمی بسیار مؤثرتر از روش اخطار سنتی در کاهش خطر تکرار جرم و نیز میزان بالای رضایت قربانی و حفظ منافع جامعه می‌باشد؛ بنابراین یکی از اهداف غایی صدور هشدار نهایی حصول منافع جامعه است. منافع جامعه با جبران خسارت وارد بر جامعه و همچنین با اصلاح افراد جامعه که مجرم در زمره آن‌ها است حاصل می‌شود؛ که این هر دو با برنامه‌های مداخله‌ای حاصل خواهد شد و برنامه مداخله‌ای مورد نظر یکی از بهترین ابزارهای مدیریت هزینه‌های عدالت کیفری به حساب می‌آید.

۳.۴. تعلیق تعقیب در حقوق ایران و انگلستان

یکی از طرق بارز رعایت اصل موقعیت داشتن تعقیب در آیین دادرسی کیفری ایران پیش‌بینی قرار تعلیق تعقیب در ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ است. (Goldost, 2014: 98) Joybari, 2014: 98) بررسی وضعیت متهم از حیث سوابق، درجه جرم و همچنین ابعاد شخصیتی بزه‌کار و در نظر گرفتن تعلیق تعقیب از جمله وظایف دادستان به شمار می‌آید. پیش‌بینی این قرار ریشه در نظریه برچسب زنی هوارد بیکر و همچنین نظریه خود آینه‌ای کولی داشته که از ایجاد هویت‌ها و شخصیت‌های مجرمانه جلوه‌گیری می‌کنند (Williams & McShane, 2012: 195)؛ و در دو بُعد می‌تواند در مدیریت هزینه‌های عدالت کیفری مداخله داشته و آن را کاهش دهد. اول آنکه پرونده از روند دادرسی کیفری خارج می‌گردد و از انباشت پرونده‌ها در دادسرا و دادگاه کیفری و اشتغال بی‌مورد اعضای قوه قضائیه جلوگیری می‌نماید و دوم آنکه با عدم ایراد برچسب بی‌مورد به افراد ایشان را از نگاه و نظر منفی اجتماع مصون داشته و از عارض شدن هویت مجرمانه بر مجرمین اولیه پیشگیری به عمل می‌آید که خود فی‌نفسه می‌تواند بزرگ‌ترین مدیریت در زمینه هزینه‌های عدالت کیفری محسوب گردد. در همین چهارچوب، در قانون عدالت کیفری انگلستان مصوب ۲۰۰۳ اختیار دادستان در زمینه اعمال اصل متناسب بودن تعقیب محدود به جرائم کم‌اهمیت بوده و دادستان می‌تواند تعقیبی را که پلیس آغاز کرده است، تحت شرایطی متوقف کند. (Slapper & Kelly, 2010: 245).

۴.۴. بایگانی پرونده‌های کیفری

یکی از نوآوری‌های قانون‌گذار آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) که در مسیر تحقق آموزه‌های عدالت ترمیمی است، تأسیس «قرار بایگانی پرونده» است (Mossadegh, 2013: 50) این تأسیس در حقوق انگلستان جایگاهی ندارد، اما قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۸۰ به‌گونه‌ای فراگیر این روش را مورد توجه قرار داده است. این قرار (بایگانی کردن پرونده) نیز ریشه در «اصل مقتضی» و «متناسب بودن تعقیب» دارد و تحت شرایطی دستگاه

عدالت کیفری را از تعقیب بی‌مورد بازمی‌دارد و همین امر می‌تواند سبب کاهش هزینه‌های جرم شود.

۵.۴. معامله اتهام

معامله اتهام، یکی از نهادهای متداول دادرسی کیفری در نظام‌های کامن لا و درعین حال یکی از نهادهایی است که بیش‌ترین انتقادات را برانگیخته است (Nouri, 2022:396). نهاد معامله اتهام یک نوع قرارداد است که بین دو نفر که یکی مقام قضایی است و دیگری متهم است منعقد می‌شود؛ و مضمون آن این است که در صورتی که متهم به جرم اعتراف نماید، جرم اتفاق افتاده فاقد کیفیات مشدد می‌شود؛ به عبارتی در حق وی ارفاق می‌شود (Roshan Ghanbari, 2010: 101-103,110)؛ بنابراین معامله اتهام به لحاظ تشویق بزهکار به قبول اتهام برای بهره‌مندی از کاهش شدت میزان اتهام، کاهش شمار اتهام‌ها از مشهودترین نمونه‌های این شیوه محسوب می‌شوند که در مدیریت هزینه عدالت کیفری ناشی از اقرار متهم و عدم صرف وقت و هزینه، مؤثر می‌تواند باشد. (Schmallegger, 2010:51). این در صورتی است که در سیستم حقوق کیفری ایران معامله با متهم مورد قبول واقع نشده است؛ اما در سیستم کیفری انگلستان معامله اتهام وجود دارد. (Miri, 2010: 40). لذا در صورت پذیرش اتهام از سوی متهم؛ کار دستگاه عدالت کیفری تا حدود زیادی آسان و متعاقب آن موجب کاهش هزینه دستگاه عدالت کیفری می‌شود.

۵. کاهش هزینه‌های عدالت کیفری در مرحله دادگاه

۱.۵. در محاکم ایران

در حقوق کیفری کنونی ایران در حال حاضر آنچه مسلم و انکارناپذیر است پذیرش این واقعیت است که پس از ارسال پرونده و یا طرح بدون کیفرخواست و مستقیم پرونده در دادگاه اصل بر حتمیت و قطعیت مجازات‌ها نیست. ابزارهای تفرید قضایی همچون تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی، تخفیف و تبدیل مجازات‌ها، تعلیق اجرای مجازات‌ها و توبه نهادهایی هستند که به صورت ابزارهای مدیریتی در دست قضات قرار داده شده‌اند تا هزینه‌های عدالت کیفری به بهترین نحو ممکن مدیریت گردد. اکثر نهادهای مزبور ریشه در نظریه برچسب زنی هوارد بیکر دارند. نظریه پردازان برچسب زنی معتقدند که بزهکاری و به‌طور کلی کزروی در کیفیت یک رفتار نیست، بلکه پیامد اجرای مقررات و ضمانت‌های اجرایی است که گروه اجتماعی متشکل از افراد و نهادها در ساخت و پرداخت آن دست دارند. اینان در واقع با قضاوت‌های منفی درباره رفتار انسان‌ها، سبب می‌شوند که انتخاب رفتار و کردار قانونی برای آنان ناممکن گردد. (Ardabili, 2013:205).

۲.۵. قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ در مرحله دادگاه در

انگلستان

نظام پیش‌بینی شده برای تعیین کیفر در انگلستان، در ماده ۱۴۲ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ آن مقرر داشته است، اهداف مختلفی دارد؛ به طوری که سزا گرایی، فایده‌گرایی، جبران خسارات وارده به قربانی جرم، اصلاح مجرم و دفاع از منافع جامعه و ارباب مجرمان بالفعل و بالقوه، اهدافی است که دادگاه‌های کیفری باید در تعیین کیفر مورد توجه قرار دهند. ضرورت نیل به اهداف در مرحله اجرا در دادگاه‌ها که بعضاً باهم ناسازگار نیز می‌باشند، اقتضاء می‌نماید که از اصول کلی و اساسی پیروی شود تا مقصود قانون‌گذار محقق گردد. به‌طور خلاصه در حقوق انگلستان اختیارات تعیین مجازات که به ترتیب شدت طبقه‌بندی گردیده‌اند به شرح ذیل می‌باشند:

۱. حکم آزادی تعویق قطعی یا مشروط مجازات؛ ۲. جزای نقدی؛ ۳. قرار مراقبتی؛ ۴. قرار حضور در مرکز ۵. قرار منع رفت‌وآمد؛ ۶. قرار اصلاح اجتماعی؛ ۷. دستور مجازات اجتماعی؛ ۸. مجازات تعلیقی؛ ۹. مجازات حبس فوری. لازم به ذکر است در صدور مجازات ضرورت دارد که قضات دلایل آن را به‌طور خلاصه و ساده بیان دارند؛ به طوری که مجرم به‌سادگی آن را درک نماید.

همان‌گونه که در پاراگراف قبلی بیان شد طیف وسیع اختیار تعیین مجازات‌ها (مثل حکم آزادی تعویق قطعی، جزای نقدی، قرار مراقبتی و ...) در حقوق انگلستان که البته با منشأ قانونی دارای محدودیت‌های ناشی از ماهیت جرم ارتكابی نیز می‌باشد امکان مدیریت تأمین هزینه‌های عدالت کیفری را فراهم آورده که می‌بایست به‌صورت کاملاً مستدل و عقلانی مورد حکم قرار گیرد.

۶. راهکارهای مؤثر در راستای کاهش هزینه‌های عدالت کیفری

سیاست جنایی به‌طور مستقیم از جامعه‌شناسی جنایی و شرایط زمانی و مکانی جامعه تأثیر می‌پذیرد. مهم‌ترین کارکرد جامعه‌شناسی جنایی تعیین نسبت‌های موجود میان نمودهای فردی و ناهنجاری با پدیده اجتماعی ناهنجار یا فراوانی میزان آن است و به عبارت دقیق‌تر، تعیین این امر است که پاره‌ای از شرایط دخیل در تولید ناهنجاری‌های اجتماعی یا برخی از ویژگی‌های آن کدامند؟ و سرانجام این‌که شرایط مقدم بر ناهنجاری‌های اجتماعی و کافی برای ایجاد آن، با فرض وجود نظم‌های قانون‌مند موجود میان پدیده ناهنجاری و سایر پدیده‌های اجتماعی کدامند؟ بی‌شک از ابعاد یک سیاست جنایی وابستگی آن به واقعیت‌های حاکم بر محیط‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاست و رشد فناوری و توسعه نظام صنعتی است که خود سبب پیچیدگی‌های روزافزون در شیوه‌های ارتکاب جرایم و مشکلات در فرایند کشف و پیشگیری از جرایم و انحرافات شده است.

در ادامه به صورت خلاصه به برخی از راهکارهای مؤثر جهت کاهش هزینه‌های دستگاه عدالت کیفری اشاره می‌شود:

الف) تجدیدنظر و اصلاح در مبارزه و پیشگیری از جرایم: شرایط زمانی و مکانی جوامع امروزی چنین حاکی است که جرایم و انحرافات عمیقاً دچار انقلاب و تحول شده‌اند. از این رو ضرورت دارد در سیاست‌ها و تدابیر اتخاذی به منظور مبارزه با آن‌ها، تجدیدنظر و اصلاحاتی صورت گیرد، چه این که به هیچ وجه نمی‌توان با همان تدابیر سنتی و کلاسیک جوامع ارگانیک به مبارزه با جرایم عصر جدید رفت. از این رو در جهت ریل‌گذاری مناسب وفق یک سیاست جنایی موسع می‌بایست همسو با تحولات سیکل جنایی جامعه، در برنامه‌های سیاست جنایی اتخاذی برای مواجهه صحیح با جرایم پیچیده روز یک بازنگری اساسی و کلی به عمل آورد. این واقعیت ما را رهنمود می‌نماید که یک سیاست جنایی وقتی فعال و موفق عمل می‌کند که شرایط زمانی و مکانی مختلف را در نظر گرفته و بتواند بسته به اوضاع و احوال مختلف برای مقابله با هر دسته‌ای از بزهکاری‌ها و بزهکاران در صورت لزوم تدابیر افتراقی و متفاوتی را اتخاذ نماید که نتیجه آن کاهش هزینه‌های عدالت کیفری و پیشگیری از تراکم جمعیت کیفری و ترافیک پرونده‌های کیفری باشد.

ب) به روز بودن تدابیر سیاست جنایی: با توجه به دگرگونی‌های شیوه‌های ارتکاب جرم چنان که تدابیر سیاست جنایی هویتی ایستا داشته و به تحولات چرخه اجتماعی و دگرگونی‌های دنیای بزهکارانه توجه ننماید، در آینده‌ای نزدیک بیلانی جز شکست و ناکامی رقم نخواهد خورد. اگرچه وضعیت‌های قبل از بزه همیشه موجب عدم تحقق عمل مجرمانه نمی‌شود، اما توجه به واقعیت محیط‌های اجتماعی و عناصری همچون زمان و مکان، آماج و روش حفاظت و اسباب و ادوات ارتکاب بر کاهش نرخ بزهکاری و بالتبع کاهش هزینه‌های عدالت کیفری می‌تواند مؤثر واقع شود.

پ) جرم‌زدایی از قوانین کیفری: جرم‌زدایی یکی از راه‌کارهای عقب‌نشینی حقوق کیفری تلقی می‌شود که آن را قانون‌گذار به گونه‌ی رسمی و قانونی یا قوه‌ی قضاییه و نهادهای مجری عدالت به شکل عملی انجام می‌دهند. نکته‌ی مهم این است که همواره جرم‌زدایی به معنای بیرون بردن رفتاری معین از صلاحیت نظام کیفری و قرار دادن آن در حوزه‌ی آزادی فردی یا دایره‌ی مباحات نیست بلکه تغییر عناوین جرم و پیشگیری از آن خود نیز می‌تواند به گونه‌ای جرم‌زدایی محسوب شود؛ نظام عدالت کیفری است. با توجه به جرایم مختلف می‌توان برنامه‌های متعدد پیشگیری را طراحی و برای اجرا پیشنهاد کرد؛ در این وضعیت، با ارزیابی بر روی هزینه‌های هر یک از جرایم، جرایمی که هزینه آن‌ها برای جامعه سنگین است در اولویت برنامه‌های پیشگیری قرار داده و از سوی دیگر، برنامه‌های مختلف پیشگیری را که قابلیت اجرایی دارند، ارزیابی «هزینه-فایده‌ای» کرد تا

برنامه‌ای انتخاب شود که در مقایسه با سایر برنامه‌ها کارایی اقتصادی بیشتری دارد.

نتیجه‌گیری

در نظام عدالت کیفری ایران تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، تعقیب گرای حاکم بوده و چارچوب اصلی و رویکرد حاکم در مورد تعقیب، نظام تعقیب سنتی (الزامی بودن تعقیب) بوده است. از این رویکرد یک‌سویه و تحمیلی در مواردی عدول شده و موجبات تعدیل آن با پذیرش برخی جایگزین‌های تعقیب فراهم شده است. جایگزین‌های تعقیب عمومی در انگلستان برخلاف ایران، نمود بیشتری دارند و شاهد توسعه آن‌ها در آن کشور هستیم؛ اعمال شیوه‌های جایگزین تعقیب در ایران و انگلستان به یک صورت نیست و یکی از اهداف این پژوهش این بود که با استفاده از یافته‌های تطبیقی این شرایط را مهیا کرد که بتوان برخی از نهادهای جایگزین تعقیب را وارد نظام دادرسی کیفری ایران کرد؛ در این راستا باید اضافه نمود که متولیان و دست‌اندرکاران سیاست جنایی کشور بایستی با بهره‌گیری از مطالعات تطبیقی و متناسب با شرایط اجتماعی و فرهنگی به نوع و نحوه بهره‌برداری از برخی از جایگزین‌های تعقیب کیفری کشور انگلستان، مانند معامله اتهام، پذیرش بزهکاری، اخطار ساده به جوانان و بزرگ‌سالان و... شرایط و بازده برخی از جایگزین‌های تعقیب را مدنظر داشته باشند و پس از آن، آن‌ها را وارد سیستم دادرسی کیفری ایران کنند. بدیهی است تا زمانی که در بطن جامعه بسترهای قانونی، فرهنگی و اجتماعی الزام برای این اندیشه فراهم نگردد، اجرای آن عقیم می‌ماند.

نهادهای تفرید قضایی در حقوق کیفری ایران و انگلستان در مرحله دادسرا و دادگاه، اهرم‌هایی جهت تعدیل اصل حتمیت و قطعیت مجازات‌ها می‌باشند که به عنوان ابزار مدیریتی برای تعدیل هزینه‌های عدالت کیفری در دست قضات قرار دارند. به طوری که این نهادها از مرحله دادسرا تا اجرا (دادگاه) ناظر بر تأمین امنیت اجتماعی می‌باشند و به کارگیری علمی آن‌ها فرصتی برای احیاء و تأمین عدالت کیفری و کاهش هزینه‌های این تأمین تا حد اعلا می‌تواند باشد.

واقعیت این است که با وجود هزینه‌های جرم، متأسفانه در سیاست جنایی ایران برعکس سیاست جنایی انگلستان، شناسایی بسیاری از این هزینه‌ها در مرحله تعقیب و دادگاه، مورد توجه قانون‌گذار جزایی و رویه قضایی قرار نگرفته است؛ به همین خاطر چنانچه سیاست‌گذاران جزایی، در طراحی و مدیریت سیاست جنایی خود به هزینه‌های ناشی از جرم و ارزیابی صحیح آن‌ها توجه لازم را داشته باشند، قطعاً اثرات خود را در راستای کاهش هزینه جرم به دنبال دارد؛ دقیقاً همان هدفی که این نوشتار در پی آن بود.

عدم به کارگیری برخی از سازوکارهای کاهش هزینه جرم مثل نهادهای ارفاقی، تدابیر جایگزین تعقیب و ... خود می‌تواند

اشاره داشت این است که اولاً: رسیدن نظام‌اند به آن، نیازمند اطلاعات بسیاری در خصوص مکانیسم‌های اجرایی آن (هزینه جرم) است؛ و عدم این اطلاعات ممکن است بودجه‌ای را که جهت کاهش جرم اختصاص داده شده است را به هدر دهد؛ دوم این امکان وجود دارد که در بعضی موارد این کاهش نیازمند صرف هزینه‌های گزاف باشد و به‌طور قاطع با محدودیت منابع، کاهش میزان جرم نمی‌تواند به هر قیمتی باشد؛ موضوعی که سیاست‌گذاران جزایی ایران باید به آن توجه داشته باشند.

هزینه بر و چالش‌برانگیز باشد. آنچه مسلم است، این ابزارها صرفاً در صورتی می‌توانند منجر به مدیریت تأمین هزینه‌های عدالت کیفری گردند که با به‌کارگیری اقتصاددان جنایی، جامعه‌شناسی جنایی، روانشناسی جنایی و از این قبیل امکان تشخیص صحیح میزان حالت خطرناکی و ظرفیت مجرمانه میسر باشد که این مهم فراهم نمی‌گردد مگر با کاربست یک سیاست جنایی کارا و منمّر؛ در غیر این صورت نه تنها فرصت محسوب نمی‌گردند بلکه خود آسیب و هزینه‌ساز محسوب می‌گردند.

در نهایت این را باید مدنظر داشت که کاهش هزینه‌های جرم هدف قابل قبولی است که در حقوق کیفری ایران و انگلستان مورد قبول واقع شده است؛ اما مسئله‌ای که باید به آن

References

- [1] Ardabili, Mohammad Ali. (2013). *General criminal law, third volume*, Tehran: Mizan publication. (In Persian).
- [2] Ashuri, Mohammad. (2019). *Code of criminal procedure*, second volume, 13th edition (Tehran), organization for studying and compiling humanities books of universities. (In Persian).
- [3] Ashuri, Mohammad. (2018). *Code of criminal procedure, second volume*, 13th edition (Tehran), organization for studying and compiling humanities books of universities. (In Persian).
- [4] Bentham, Jeremy.(1995). *The utilitarian theory of punishment, from: crime and punishment*, By: Gorr, Michael j, Harwood, Sterling, printed in U.S.A, Jones and Bartlett publishers
- [5] Czabanski,j.(2008).*Estimates of cost of crime:History,Methodologies,and implications*.berlin Hidelberg,springer
- [6] Campbell Black Henry. (1990). *black's law Dictionary*, west publishing co, sixth Edition
- [7] Farhadi, Hashem & Shams, Ahmad. (2022). *The role of restorative justice and the dispute resolution council in reducing the financial costs of litigation*, Financial Economics Quarterly, Volume 1. (In Persian).
- [8] Final warninig Scheme. (2002).*Annex A.Legislative Provisions*
- [9] Frank P, Williams, Freelin D, McShane. (2012). *Theories of criminology, translator: Dr. Hamidreza Malek Mohammadi*, Tehran: Mezan Publishing House
- [10] Goldost Joybari, Rajab. (2014). *Criminal Procedure Code*, Tehran: Jangal Publications
- [11] Garer,Brian.(2017). *Blacks Law Dictionary*, 4th Edition,Tehran:Jungle Publications
- [12] Hannibal, martin And Mount ford. (2008). *Lisa LPC Handbook on Criminal Litigation*, oxford,first published,
- [13]hylton, keith n. (2017), *economic analysis of criminal procedure in the oxford handbook of law and economics*
- [14] Kashkulian, Ismail & Heydari, Massoud (2021), Étude comparative de l'évaluation du coût de la criminalité en droit pénal et dans la jurisprudence chiite, Nouvelles approches en études islamiques, n° 7. (In Persian).
- [15] Khaleghi, Ali. (2015). *Criminal Procedure Code*, Volume 1, 33rd Edition (Tehran), Shahr Danesh Legal Studies and Research Institute . (In Persian).
- [16] Lewisch, Peter. (2000), "Criminal Procedure", in: *Encyclopedia of Law and Economics; The Economics of Crime and Litigation*, volume 5, edited by: Boudewijn Bouckaert and Gerrit De Geest, Edward Elgar Publishing
- [17] Mercurio, Nicholas and Medema, Steven G. (2006). *Economics and the Law; From Posner to Post Modernism and Beyond*, 2nd Edition, Princeton University Press, Princeton and Oxford
- [18] Michael,Jasch. (2008).*police and prosecutions: vanishing Differences Between practices in England and Germany*, Public Law, The Law Faculty Of The university Frankfurt (main), Institute of criminal justice
- [19] Mossadegh, Mohammad. (2013). *Criminal Procedure Law*, Tehran: Jangal Publications. (In Persian).
- [20] Mehra, Nasreen. (2012). *Encyclopaedia of English Criminal Law*, Tehran: Mizan Publishing House. (In Persian).

- [21] Miri, Reza. (2010). *Criminal Prosecutor's Office*, Tehran: Majd Publications (In Persian).
- [22] Nouri Zeinel, Elmira. (2020). *Costs of crime, first edition*, Tehran: Mizan Publications (In Persian).
- [23] Nouri Zeinel, Elmira. (2022). *Economic analysis of criminal procedure*, first edition, Tehran: Mezan Publishing (In Persian).
- [24] Posner, Richard A. (1985). *An Economic Theory of the Criminal Law*, *Columbia Law Review*, vol.85, no.
- [25] Roshan Ghanbari, Ataullah. (2010). "Looking at the transaction of accusation in American law" *Legal Monthly of the Rossa et al. Center*, No. 110. (In Persian).
- [26] Robinson, Anne. (2001). *Foundations For offender Management: Theory, Law And policy for contemporary practice*, The policy press, First published 6
- [27] Shekarchizadeh, Mohsen. (2015). *Criminal Procedure Code, first edition*, Tehran: Majd Publications. (In Persian).
- [28] Sheydaiyan, Mehdi & Nosrati, Yazdan. (2018). *Identification and challenges of criminal prosecution with a look at English law*, Volume 23, Number 82. (In Persian).
- [29] Slapper, Gray and Kelly, David. (2010). *The English Legal system*, London, Routledge Cavendish Publishing, 11th Edition
- [30] Schmalleger, Frank. (2010). *criminal Justice Today: an introductory Text for the 21st Century*, (What's New in Criminal Justice), 15th Edition.
- [31] Tavali, Mehdi, Shidaiyan, Mehdi, Mirkhalili, Seyed Mahmoud, Darabi, Shahradd. (2022). *Alternatives to criminal prosecution (a comparative study in Iranian and English law)*, *Journal of Islamic Jurisprudence and Law Studies*. (In Persian).
- [32] Vaziri, Shahrbanu. (2013). *the passage of time, a review of developments in the international community and the domestic laws of countries*, Tehran, Ardhal Publications. (In Persian).
- [33] Yazdian Jafari, Jafari. (2009), Une réflexion sur le système coûts-avantages en droit pénal, *Jurisprudence and Law Journal*, cinquième année. (In Persian).